

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۲/۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۳/۲۸

ارزیابی سطوح توسعه یافتگی در ابعاد مختلف اجتماعی - رفاهی، زیر بنایی و تکنولوژیکی جامعه عشایری استانهای ایران

علی اکبر تقیلو*

استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه ارومیه

میر نجف موسوی

دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه ارومیه

چکیده

هدف تحقیق حاضر ارزیابی سطح توسعه یافتگی ابعاد کالبدی - فضایی جامعه عشایری ییلاقی و قشلاقی مناطق مختلف کشور است. روش تحقیق و توصیف رابطه بین متغیرها بر مبنای توصیفی - تحلیلی است. جامعه آماری تحقیق نیز جامعه عشایری کل کشور با جمعیت ۲۳۷۳۶۶۰ نفر در قالب ۴۲۶۳۲۰ خانوار است. داده‌های مورد نیاز تحقیق از اسنادی و مرکز آمار و آخرین دوره سرشماری ۱۳۸۷ جامعه ایلات و عشایر کشور بدست آمده است. در تجزیه تحلیل داده‌ها از مدل تاپسیس جهت رتبه‌بندی استانهای توسعه یافته، نیمه توسعه یافته و توسعه نیافته، و از مدل برازش رگرسیونی SPSS برای سنجش میزان اهمیت و درجه تاثیر گذاری شاخصهای سازنده تحقیق در سطح توسعه یافتگی استفاده گردیده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ضریب نابرابری توسعه در منطقه قشلاقی ۰.۴۶۷ و منطقه ییلاقی ۰.۵۶۷ است. ضریب همگنی توسعه در درون استانهای توسعه نیافته دوره قشلاقی (۲۰۱۱) و برای استانهای توسعه نیافته دوره ییلاقی ۴.۴ است. مدل برازش رگرسیونی نشان می‌دهد که شاخصهای بکار رفته در دوره ییلاقی ۹۹.۳ درصد و در منطقه قشلاقی ۹۸.۲ درصد سطح توسعه یافتگی جامعه عشایری را تبیین می‌کند. در بین شاخصهای توسعه دسترسی به انرژی با ضریب ۰.۶۹۳ بیشترین تاثیر و در دوره قشلاقی دسترسی به امکانات ارتباطاتی و اطلاعاتی با ضریب تاثیر ۳.۲۶ بیشترین تاثیر را در سطح توسعه داشته است.

کلمات کلیدی: ایران، دوره قشلاقی، دوره ییلاقی، عشایر، توسعه.

مقدمه

در کشور ما جامعه عشایری به عنوان جامعه سوم در کنار جامعه شهری و روستایی مطرح گردیده است که به دلیل ویژگی‌های خاص معیشتی و فرهنگی خود کوچندگی را به دنبال داشته است و عملاً از دو جامعه دیگر متمایز می‌شود (شکور، ۱۳۸۹: ۱۲۴). حفظ و افزایش توان تولیدی، برخورداری متوسط از امکانات ارتباطی، اطلاعاتی، انرژی، رفاهی و توجه به کرامت انسانی، حداقل چشم‌داشتی است که از مسئولین نظام اجرایی و برنامه‌ریزی کشور در مناطق عشایری وجود دارد. در نگرشی واقع‌بینانه و مبتنی بر تجارب گذشته خصوصاً تحولات چند دهه اخیر در زمینه اسکان اجباری، هدایتی و حمایتی عشایر می‌توان به این نتیجه رسید که عشایر جامعه را که قاعده اقتصادی، اجتماعی نیرومند کوچ نشینی همواره آنها را بین ییلاق و قشلاق برای تعلیف دام و امرار معاش وادار نموده است.

نگاهی به آمار جمعیت عشایری که طی دهه گذشته بیانگر محدودیت منابع و مشقات این نوع زندگی است، و در عین حال حکایتی از واقعیتی انکارناپذیر دارد که سیاست‌های توسعه ملی در سالهای گذشته، با الزامات و مقتضیات این نوع از شیوه زیست متناسب نبوده و نه تنها تاثیر عمیق و تحول‌زا در کلیت این جامعه نداشته بلکه موجبات غفلت از نیازهای اساسی و رفاهی دامداران عشایری و تشدید برخی کاستیها در زندگی آنها نیز شده است (توکلی و ضیاء توانا، ۱۳۸۸).

در راستای سازماندهی نظام توسعه پایدار سرزمینی و بویژه طرح ریزی آمایش سرزمین از طریق تعمیق برنامه ریزی فضایی متوازن و یکپارچه، توسعه زندگی جوامع عشایری در فضای سرزمینی و فضاهای منطقه‌ای و محلی از اهمیت فراوانی برخوردار است (طالشی، ۱۳۸۸: ۱۰۶).

مطالعه و شناسایی مناطق محروم و مطالعات توسعه‌ای جامع استانهای مختلف کشور که در طول دهه‌های اخیر انجام شده و در برخی موارد اقدامات اجرایی وسیعی را نیز در محدوده‌های معین به دنبال داشته است، دلیلی بر توجه و تامل برنامه ریزان و مجریان به تعدیل برنامه‌های منطقه‌ای در سطح کشور و استان به شمار می‌آید (کرمی و عبد شاهی، ۱۳۹۰: ۱۱۸). لذا شناخت وضع موجود مناطق عشایری، بخصوص توانمندیها، محدودیتها و فرصتها در قیاس با یکدیگر اهمیت خاصی دارد زیرا تعیین سطوح توسعه این جامعه در سطح استانها بیانگر چگونگی توزیع فرصتها در سطح کشور و مهمتر از آن سطح کیفی مدیریت جامعه عشایری استانها را مشخص می‌نماید. یکی از روش‌های بررسی تعادل فضایی بین مناطق، تعیین سطوح برخورداری و توسعه نواحی عشایری و بررسی نقاط قوت و ضعف شرایط هر ناحیه در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی است که زمینه تخصیص بهینه منابع و امکانات را برای توسعه هماهنگ، یکپارچه و متوازن جامعه عشایری فراهم می‌سازد. بر اساس مبانی نظری فوق‌هدف این تحقیق سطح‌بندی توسعه جامعه عشایری کشور جهت شناسایی مناطق محروم از نظر

برخورداری‌ها و امکانات توسعه است و پرسش آغازی این تحقیق نیز براساس هدف مذکور بدین صورت مطرح می‌شود که آیا جامعه عشایری ایران در مناطق مختلف از نظر توسعه‌یافتگی (دسترسی به فرصتها و امکانات) در سطح متعادل نسبت به همدیگر قرار دارند؟ فرض بر این است که میزان توسعه یافتگی جامعه عشایری مناطق مختلف کشور نسبت به یکدیگر متفاوت است. همچنین سطح توسعه دوره قشلاقی با دوره ییلاقی نیز متفاوت از هم می‌باشند.

پیشینه تحقیق

مطالعات متعددی در مورد جامعه عشایری و توسعه آن انجام یافته است و بیشتر آنها در ارتباط با مسائل اقتصادی و اسکان عشایر بوده است و کمتر به سطح توسعه یافتگی عشایر که شناخت وضع موجود و زیر بنای برنامه ریزی توسعه می‌باشد، توجه شده است. برخی مطالعات انجام یافته در خصوص جامعه عشایری بصورت زیر اشاره می‌گردد:

شفقی و رحیمی (۱۳۹۰) تاثیر نوسازی بر ساختار اجتماع و اقتصادی ایل قشقایی را بررسی کردند. نوسازی در جامعه عشایر به گونه‌ای صورت گرفته که در دوره‌های مختلف در ایل قشقایی، بیش از آنکه بر اساس مطالعه زمینه‌های ساختاری و فرهنگی این ایل و بر پایه اولویت‌ها، نیازها و خواست‌های جامعه ایلی رخ داده باشند، بر پایه نیازها، ضرورت‌ها و خواستهای اقتصاد سرمایه‌داری و اقتصاد جهانی شکل گرفته و توسعه اقتصادی و اجتماعی ناموزون در این جامعه ایلی را دامن زده است.

علی حسین حسین‌زاده، نبی‌الله ایدر، مها ساکی (۱۳۹۰) در تحقیقی تحت عنوان توسعه پایدار عشایر، تبیین علل و پیامدهای اعمال سیاستهای دولت‌ها و محدودیت‌ها و عوامل تأثیرگذار در این زمینه را بررسی کرده و پیشنهاداتی در این خصوص ارائه نموده است.

محمدحسن مقدس جعفری، امیرعلی درستی، الهام عباسی (۱۳۹۰)، در بررسی اسکان عشایر، چالش‌ها و راهکارهای آن

علی شکور (۱۳۸۹) لایلا علیپور (۱۳۹۰) به مطالعه بعد اقتصادی نظام اجتماعی عشایر پرداخته‌اند و از نتایج مهم آنها می‌توان به ضعف بنیادهای مالی عشایر اشاره نمود که نتیجه عدم انطباق اقتصاد عشایر با شیوه‌های تولید جهان امروز است و مضاف بر آن عدم توجه به زیر ساختهای آموزشی، بهداشتی و معیشتی از دلایل دیگر عدم توسعه اقتصاد عشایر است.

نهادها و شیوه‌های خط مشی گذاری عشایر در دوره پهلوی مطالعه دیگری است که نفیسه واعظ (۱۳۸۸) با آن پرداخته است که از نتایج آن می‌توان به این مطلب اشاره نمود که نهاد سلطنت، مجلس شورای ملی و هیات وزیران در امر عشایر دخیل بودند اما در ساختار حقیقی قدرت شان رسمی پادشاه در تصمیم‌گیری در مرتبه اول قرار داشت.

جرارد پستیجلیون^۱ همکاران (۲۰۱۲) مطالعات دیگری را در ارتباط با تغییرات آموزش و توسعه جوامع عشایری تبت انجام داده‌اند. نتیجه مطالعات نشان می‌دهد که محیط مدارس آموزشی در توسعه تفکر و خلاقیت جامعه عشایری تاثیر زیادی داشته است. کنت بائر^۲ و همکاران (۲۰۰۸) رابطه جمعیت، توسعه و محیط زیست را در جامعه عشایری فلات تبت مطالعه نمودند نتایج آن نشان می‌دهد که پس اصلاحات اقتصادی و تعدیل سیاستهای ساختاری، ارتباط مستقیمی میان رشد جمعیت عشایری و تبدیل مناطق جنگلی به مناطق زراعی و افزایش سیل در تبت وجود دارد. ژزف. ال (۲۰۰۸) به بررسی حفظ تنوع زیستی و جامعه عشایری پرداخته است. او معتقد است که تنوع زیستی در مراتع با گسترش جوامع انسانی کاهش چشم‌گیری داشته است. اندریاس گروسکه^۳ (۲۰۰۸) در ارتباط با عشایر بدون مرتع، جهانی شدن و امنیت معیشت عشایر شمال خامز چین مطالعاتی را انجام داده است. نتایج مطالعاتش نشان می‌دهد؛ زندگی عشایری تبت شرق تغییر یافته است و زندگی جمعیت عشایری دامدار توسعه داشته است با اذعان به این نکته عشایرین نمی‌توانند به مدت طولانی به اقتصاد دامداری وابسته باشند.

به این نتیجه دست یافت که حفظ هویت اجتماعی فرهنگی و تاریخی جامعه عشایر به دلیل اینکه بخش مهمی از تاریخ جامعه ایران است ضرورت است. نتیجتاً به نظر می‌رسد برنامه ریزان و مسئولان بایستی این مهم را مطمح نظر قرار داده و بدون در نظر گرفتن این امر تصمیماتی اتخاذ نکنند که در نتیجه آن به فرهنگ تاریخ و هویت اجتماعی جامعه عشایر لطمه‌ای وارد نشده و میراث فرهنگی آنان به نسل‌های آینده منتقل گردد. مفید شاطری و محمد حجی پور (۱۳۹۰) اثرات اقتصادی - اجتماعی طرح‌های اسکان بر جوامع عشایری استان خراسان جنوبی به نتایجی دست یافتند که نشان می‌دهد تغییرات در میزان درآمد خانوارها و به تبع آن پس‌انداز سالیانه آنان رشد قابل ملاحظه‌ای نداشته و بلکه زندگی عشایر در قبل از اسکان دارای بهره‌وری اقتصادی بالاتری بوده است ولی با انجام اسکان دسترسی به امکانات رفاهی نسبت به قبل بسیار رشد داشته که به دنبال آن سطح سواد نیز افزایش یافته است. لایلا خاکی‌پور و همکاران آن (۱۳۹۰) در خصوص سهم مرتع در درآمد عشایر پرداخته است از نتایج مهم آن می‌توان به سهم ۷۰ درصدی مرتع در درآمد خالص عشایر اشاره نمود که نشان می‌دهد اقتصاد عشایر به مراتع وابستگی زیادی دارند. جعفر توکلی و محمدحسن ضیاءتوانا (۱۳۸۸) در بررسی پیامدهای فضایی اسکان عشایر در استان چهارمحال و بختیاری به این نتیجه رسیدند که اسکان در اتراقگاههای فصلی خطر حوادث طبیعی را افزایش داده است. به رغم بهبود نسبی در برخورداری از خدمات، بسیاری از انتظارات منطقی سکنه برآورده نشده است و میان سکونتگاههای مورد بررسی اختلاف فاحشی وجود دارد. کاهش شدید دام به عنوان منبع اصلی معیشت موجب کاهش درآمد و افزایش بیکاری شده است که بازتاب آن استمرار کوچندگی، مهاجرت‌های فصلی و گرایش به مهاجرت دائمی است. سید اسکندر صیدانی (۱۳۸۷) جایگاه جامعه عشایری ایران را در چشم‌انداز افق بیست ساله بررسی نموده است.

¹ Gerard Postiglione
²-Kenneth Bauer
³- Andreas Gruschke

تعریف و عملیاتی گردید (شکل ۱). براین اساس اطلاعات مورد نیاز در قالب هر یک از شاخصهای تعریف شده از سرشماری عمومی جامعه عشایری ۱۳۸۷ کشور جمع آوری و استخراج گردید. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات و سطح بندی سطوح توسعه یافتگی جامعه عشایری استانهای کشور از مدل سطح بندی تاپسیس و جهت سنجش میزان نابرابری از شاخص ضریب پراکندگی استفاده گردید. در نهایت از طریق نرم افزار رایانه ای SPSS و با استفاده از مدل رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر ضریب تاثیر گذاری هر یک از مولفه ها در تعیین میزان توسعه یافتگی جامعه عشایری استانها مشخص شد.

شاخص های تحقیق

مهمترین شاخصهای مورد استفاده در تحقیق به تفکیک متغیرها بصورت زیر است؛

شاخصهای اقتصادی و اجتماعی عبارتند از: سرانه مسکن معمولی، سرانه مسکن عشایری، سرانه سرپناه، نسبت باسوادی کل، نسبت باسوادی مرد، نسبت باسوادی زن، درصد شاغلان.

شاخصهای اطلاعاتی و ارتباطاتی: رادیو و رادیو ضبط، تلویزیون، تلفن ثابت، تلفن همراه، رایانه.

شاخصهای صنایع دستی: سرانه تولید قالی، سرانه فروش قالی، سرانه تولید گلیم، سرانه فروش گلیم، سرانه تولید ورنی، سرانه فروش ورنی، سرانه تولید پلاس، سرانه فروش پلاس، سرانه تولید حصیر، سرانه فروش حصیر، سرانه تولید خورجین، سرانه فروش خورجین، سرانه تولید چوقا، سرانه فروش چوقا، سرانه تولید کلاه، سرانه فروش کلاه.

شاخصهای تسهیلات رفاهی: چراغ توری (نفتی یا گازی)، اجاق گاز، تنور پخت نان (گازی)، چراغ خوراک، کوچ با وسایل نقلیه، یخچال، کولر.

شاخصهای انرژی: سوخت پخت وپز (نفت)، سوخت پخت وپز (گاز)، سوخت گرما (نفت)، سوخت گرما (گاز).

شاخصهای حمل و نقل: سرانه موتور سیکلت، سرانه سواری، سرانه وانت و باری، کوچ با وسایل نقلیه.

آنجلا ماندرس جیت^۱ و همکاران (۲۰۰۴) عکس العمل اقتصاد معیشتی جامعه عشایری را در ارتباط با اقتصاد بازار آزاد بررسی کرده است. او معتقد است که تا دهه ۱۹۵۰ اقتصاد جامعه عشایری تولید برای مصرف را هدف قرار داده بودند اما پس از دهه ۵۰ اقتصاد جامعه عشایری بر تامین نیازهای دامی خود به بازارهای جهانی وابسته شدند و این امر زمینه را برای ورود اقتصاد عشایری در اقتصاد بازار فراهم ساخت. همچنین در زمان مائو تولیدات و نوع تولیدات براساس برنامه ریزی متمرکز چین به انجام رسید و تولیدات عشایری برای فروش در بازار مصرف انجام گردید و ورود اقتصاد عشایری در بازار اقتصاد ملی را فراهم کرد.

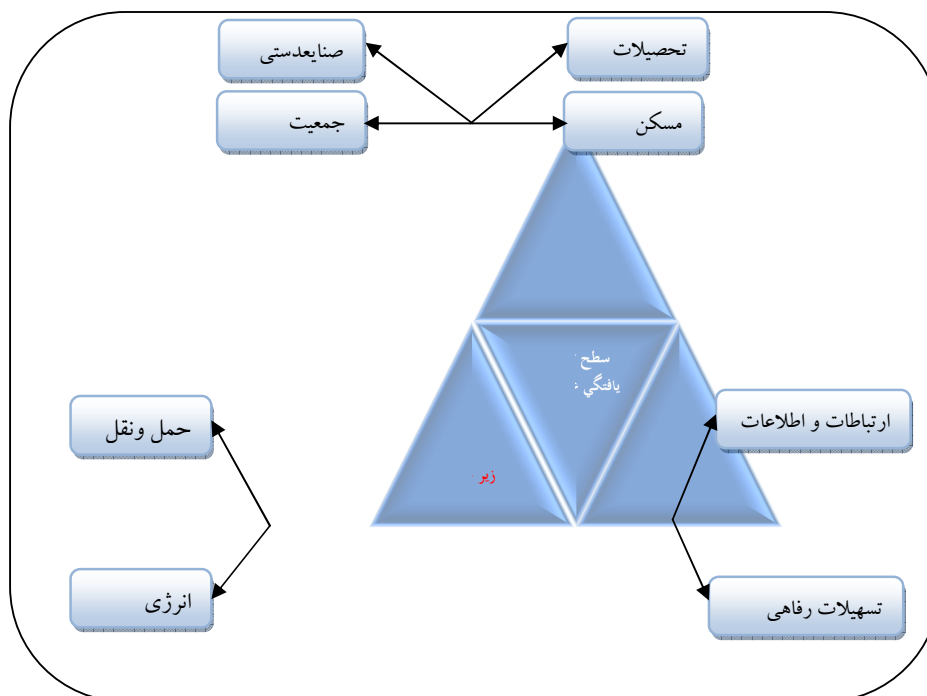
گروسکه (۲۰۰۰) مطالعه ای از زندگی عشایری تحت عنوان؛ عشایر یوشو چگونه می تواند با حفظ زندگی عشایری به پایداری دست یابد، پرداخته است. با توجه به نتایج مهم آن پیشنهاد مهمی از جمله مهاجرت مازاد جمعیت عشایر به نقاط روستایی و شهری در پی توسعه اشتغال در این نقاط بجای اسکان مجدد آنها، تعادل دام و مرتع، مشارکت عشایر در احیای مراتع و تنوع منابع تولید ارائه داده است.

مواد و روش

با توجه به اهداف تحقیق و مولفه های مورد بررسی نوع تحقیق کاربردی و رویکرد حاکم بر فضای تحقیق "توصیفی و تحلیلی" است. جامعه آماری این تحقیق شامل جامعه عشایری کل کشور (۲۳۷۳۶۶۰ نفر در قالب ۴۲۶۳۲۰ خانوار)^۲ به تفکیک استانها بر مبنای آخرین دوره سرشماری رسمی عشایری سال ۱۳۸۷ است. روش جمع آوری اطلاعات بصورت اسنادی از مرکز آمار ایران و سرشماری عمومی ایلات و عشایر کشور بوده است. در این تحقیق ابتدا شاخصهای تحقیق در قالب ابعاد سه گانه اجتماعی، زیربنایی و تکنولوژیکی و مولفه های آنها مشخص و سپس شاخصهای هر یک از مولفه ها

1- Angela Manderscheid

^۲ - آخرین دوره سرشماری عشایر کوچنده ۱۳۸۷



شکل (۱): مدل تحلیلی سطح توسعه یافتگی جامعه عشایری ایران در سال ۱۳۸۷.

منبع: محققین

جامعه عشایری ایران

امروزه مجموعه ایلات و عشایر ایران، به عنوان «جامعه سوم» از شمال و شمال غربی تا منتهی‌الیه جنوب و جنوب شرقی پراکنده‌اند. هرچه از شمال به سوی جنوب و از غرب به سوی شرق می‌رویم جمعیت عشایری کمتر می‌شود. مهمترین مناطق عشایری ایران عبارت‌اند از: آذربایجان، لرستان، بختیاری،

کهگیلویه، فارس، خراسان، دشت گرگان، سیستان و بلوچستان و خوزستان.

بر اساس سرشماری عمومی و نفوس مسکن جمعیت عشایری در سال ۱۳۸۸، جمعیت عشایری کل کشور ۱۱۸۶۸۳۰ نفر در قالب ۲۱۲۶۶۰ خانوار در دوره بیلاقی و قشلاقی است. جمعیت عشایری کشور به تفکیک استانها در سال ۱۳۸۸ بصورت جدول زیر است.

جدول (۱): جمعیت عشایری استانها به تفکیک جمعیت بیلاق و قشلاق بر اساس آخرین دوره سرشماری عشایری ۱۳۸۷.

عشایر قشلاقی				عشایر بیلاقی				استان
زن	مرد	مرد و زن	خانوار	زن	مرد	مرد و زن	خانوار	
۵۷۷۴۸۳	۶۰۹۳۴۷	۱۱۸۶۸۳۰	۲۱۲۶۶۰	۵۷۷۴۸۳	۶۰۹۳۴۷	۱۱۸۶۸۳۰	۲۱۲۶۶۰	کل کشور
۲۱۱۹۳	۲۲۶۹۷	۴۳۸۹۰	۸۰۹۷	۳۴۰۷۷	۳۶۵۴۳	۷۰۶۲۰	۱۳۲۹۵	آذربایجان شرقی
۵۰۷۰۴	۵۳۲۲۳	۱۰۳۹۲۷	۱۵۵۹۹	۴۹۱۳۸	۵۱۴۱۱	۱۰۰۵۴۹	۱۵۰۶۸	آذربایجان غربی
۳۱۹۲۵	۳۴۶۰۷	۶۶۵۳۲	۱۲۸۱۸	۲۰۶۶۱	۲۲۶۳۶	۴۳۲۹۷	۸۱۸۶	اردبیل
۸۹۸	۱۰۲۴	۱۹۲۲	۳۷۳	۲۴۹۶۸	۲۶۱۰۵	۵۱۰۷۳	۹۲۳۲	اصفهان
۲۸۳۲۲	۳۱۱۰۳	۵۹۴۲۵	۹۷۳۶	۲۳۷۹۹	۲۵۹۷۵	۴۹۷۷۴	۷۹۹۳	ایلام
۸۵۷۳	۸۸۵۸	۱۷۴۳۱	۳۳۱۱	۰	۰	۰	۰	بوشهر
۲۳۷۳	۲۶۳۰	۵۰۰۳	۱۰۵۷	۲۸۳۸	۳۱۸۲	۶۰۲۰	۱۲۹۴	تهران
۱۷۳۶۷	۱۸۶۵۸	۳۶۰۲۵	۶۰۳۲	۴۲۹۹۴	۴۷۰۲۰	۹۰۰۱۴	۱۴۶۵۷	چهارمحال و بختیاری
۳۵۵۳۵	۳۶۳۵۷	۷۱۸۹۲	۱۳۷۰۸	۳۹۶۵۴	۴۰۵۲۱	۸۰۱۷۵	۱۵۱۵۳	خراسان جنوبی
۱۰۷۶۶	۱۱۱۷۱	۲۱۹۳۷	۴۲۳۱	۱۲۰۱۹	۱۲۳۹۸	۲۴۴۱۷	۴۸۵۸	خراسان رضوی
۴۵۳۱	۴۸۹۴	۹۴۲۵	۱۷۳۲	۸۷۲۱	۹۳۰۵	۱۸۰۲۶	۳۲۳۳	خراسان شمالی
۶۶۷۲۹	۷۳۴۵۰	۱۴۰۱۷۹	۲۳۲۷۴	۱۸۳۶۱	۲۰۲۱۲	۳۸۵۷۳	۶۵۱۳	خوزستان
۸۷۰	۹۶۷	۱۸۱۷	۲۸۲	۸۱۵	۸۸۰	۱۶۹۵	۲۴۶	زنجان
۶۶۳۲	۷۴۶۰	۱۴۰۹۲	۳۰۸۹	۵۲۷۵	۵۹۶۴	۱۱۲۳۹	۲۴۱۲	سمنان
۵۱۴۵۷	۵۰۷۸۸	۱۰۲۲۴۵	۱۸۹۸۴	۴۷۹۷۶	۴۷۳۲۲	۹۵۲۹۸	۱۷۶۹۳	سیستان و بلوچستان
۷۲۳۳۴	۷۵۴۸۷	۱۴۷۸۲۱	۲۷۲۷۹	۶۴۸۵۷	۶۷۴۱۵	۱۳۲۲۷۲	۲۴۷۲۰	فارس
۶۵۲	۷۰۴	۱۳۵۶	۲۴۷	۶۵۸	۶۹۶	۱۳۵۴	۲۵۰	قزوین
۲۶۰	۲۹۳	۵۵۳	۸۹	۰	۰	۰	۰	قم
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	کردستان
۵۱۲۹۳	۵۱۳۵۴	۱۰۲۶۴۷	۲۱۱۰۵	۵۴۶۶۵	۵۴۷۷۴	۱۰۹۴۳۹	۲۲۵۶۴	کرمان
۳۵۶۵۵	۳۷۹۸۶	۷۳۶۴۱	۱۳۱۵۴	۳۸۳۱۰	۴۰۹۰۸	۷۹۲۱۸	۱۴۱۰۹	کرمانشاه
۳۰۳۴۴	۳۲۸۸۱	۶۳۲۲۵	۱۰۰۸۸	۳۳۹۹۸	۳۶۷۷۷	۷۰۷۷۵	۱۱۱۲۰	کهگیلویه و بویراحمد
۱۰۱۸۴	۱۰۵۰۳	۲۰۶۸۷	۳۵۳۰	۴۸۲۱	۴۸۷۵	۹۶۹۶	۱۵۵۲	گلستان
۱۵۲۴	۱۵۸۳	۳۱۰۷	۶۱۹	۱۴۵۴	۱۵۲۰	۲۹۷۴	۵۹۴	گیلان
۳۰۳۰۴	۳۳۴۸۷	۶۳۷۹۱	۱۱۲۰۰	۳۹۳۹۳	۴۴۳۴۶	۸۳۷۳۹	۱۴۶۳۸	لرستان
۱۰۶	۱۰۸	۲۱۴	۶۱	۱۳۶۲	۱۴۶۳	۲۸۲۵	۶۸۰	مازندران
۹۹۱	۱۰۴۵	۲۰۳۶	۳۹۱	۱۲۶۱	۱۳۶۴	۲۶۲۵	۴۷۳	مرکزی
۳۷۴۱	۳۷۹۲	۷۵۳۳	۱۵۹۸	۱۹۸	۱۹۳	۳۹۱	۷۱	هرمزگان
۷۶۵	۷۸۴	۱۵۴۹	۳۲۲	۴۷۷۳	۵۱۰۸	۹۸۸۱	۱۸۶۷	همدان
۱۴۵۵	۱۴۷۳	۲۹۲۸	۶۵۴	۴۳۷	۴۳۴	۸۷۱	۱۸۹	یزد

منبع: سرشماری جامعه عشایری-۱۳۸۷

یافته‌های تحقیق

سطح‌بندی سطوح توسعه جامعه عشایری دوره ییلاق

ییلاق منطقه‌ای است که عشایر در فصول گرم سال جهت دسترسی به آب و هوای معتدل و خنک و همچنین جهت بهره برداری از مراتع غنی به آنجا مهاجرت می‌نمایند. این مناطق عمدتاً کوهستانی با ارتفاع بالا با آب هوای معتدل و مراتع نسبتاً خوب مشخص است.

بهره‌گیری از مدل تصمیم‌گیری چند معیاره تاپسیس و استفاده از شاخصهای مختلف اجتماعی- اقتصادی، اطلاعاتی- ارتباطاتی، تسهیلات رفاهی و غیره، استانهای جامعه عشایری کشور در منطقه ییلاقی مورد بررسی قرار گرفت. برابر بررسیهای صورت گرفته استانهای قم، بوشهر و کردستان فاقد جامعه عشایری ییلاقی می‌باشند. (جدول ۲) نشان می‌دهد در شاخصهای بخش مسکن استان قزوین (۰.۶۴۱) به عنوان توسعه یافته‌ترین استان و اردبیل به عنوان محرومترین استان با میزان (۰.۰۶۹) شناخته شده‌اند؛ در بخش صنایع دستی و جمعیت به ترتیب استانهای کرمان (۰.۲۷۴) و خراسان شمالی (۰.۸۷۹) بعنوان برخوردارترین و استانهای تهران (۰.۰۵۷) و گلستان (۰.۰۵) به عنوان محرومترین استان شناخته شده‌اند. شایان ذکر است سطوح توسعه‌یافتگی در ابعاد زیربنایی که بعنوان مهمترین مولفه توسعه‌یافتگی مناطق مورد بررسی قرار می‌گیرد در جامعه عشایری ییلاقی کشور نیز مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاکی از آن است که در شاخصهای بخش حمل‌ونقل و انرژی استان اردبیل بعنوان توسعه یافته‌ترین و استان خوزستان با مقادیر (۰.۰۳۳) و (۰.۰۰۹) محرومترین استان ارزیابی گردیده‌اند. اما در ابعاد تکنولوژیکی توسعه استانهای خراسان شمالی در بخش ارتباطات و اطلاعات و استان گلستان در بخش تسهیلات رفاهی به عنوان توسعه یافته‌ترین و استانهای قزوین و هرمزگان به عنوان محرومترین استان شناخته شدند. بررسی میزان نابرابری نشان می‌دهد در شاخص صنایع دستی با ضریب نابرابری ۱.۲۵ بیشترین میزان نابرابری و شاخص تسهیلات رفاهی با ضریب نابرابری ۰.۷۳۹ کمترین میزان نابرابری را داشته‌اند.

از مدل تحلیل خوشه‌ای سلسله‌مراتبی برای تقسیم‌بندی سطح توسعه استانها استفاده گردید و بر اساس نتایج سطح توسعه جامعه عشایری به سه جامعه عشایری توسعه یافته، نیمه توسعه یافته و محروم قسمت تقسیم شدند. نتایج مدل تحلیل خوشه‌ای نشان می‌دهد که اکثر استانهای توسعه یافته ییلاقی در قسمت شمال شرق، شمال غرب و شمال کشور قرار دارند که شامل ۱۲ استان کشور است با توجه به اینکه سطح توسعه جامعه عشایری به منابع طبیعی وابستگی شدیدی دارد و این انتظار می‌رود که جوامع توسعه یافته در استانهای شمالی قرار بگیرد. از بین استانهای توسعه یافته استانهای خراسان شمالی با میزان (۰.۶۳۰) و استان اردبیل با سطح (۰.۵۷۹) در رتبه اول و دوم قرار دارند. شکاف توسعه درون گروهی نشان می‌دهد که همگرایی تقریباً نسبی بین استانهای توسعه یافته وجود دارد. بطوریکه فاصله بین استان خراسان شمالی و کرمان ۱.۶۳ برابر است. جمعیت دوره ییلاقی کشور در استانهای توسعه یافته ۳۹۹۱۷۷ نفر است که ۳۳.۶۳ درصد جمعیت ییلاقی را شامل می‌شود این استانها شامل استانهایی است که از نظر وضعیت اقلیمی در سطح مطلوبی نسبت به سایر مناطق کشور قرار دارد تنها استانهای کرمان و سمنان است که از منطقه مرکزی کشور در این گروه قرار دارد که استان کرمان به لحاظ میزان توسعه‌یافتگی صنایع دستی عشایری خود که جایگاه نخست را در سطح کشور دارد، در این گروه قرار گرفته است و در مرز بین توسعه‌یافتگی و کمتر توسعه‌یافتگی قرار دارد. استان سمنان با وجود اینکه از استانهای مرکزی کشور به شمار می‌رود ولی عشایر ییلاقی آن عمدتاً در مناطق کوهستانی البرز جایگاه از نظر اقلیمی جزء اقلیم کوهستانی شمرده می‌شود، قرار دارند.

استانهای نیمه توسعه یافته، ۱۱ استان کشور را شامل می‌شود که در غرب و مرکز کشور قرار دارند. این استانها ۴۹۲۹۹۳ نفر جمعیت دارند که ۴۱.۵ درصد از جمعیت عشایری دوره ییلاقی کل کشور را شامل می‌شود. استان اصفهان با میزان (۰.۲۳۲) در بین استانهای نیمه توسعه یافته در رتبه اول قرار

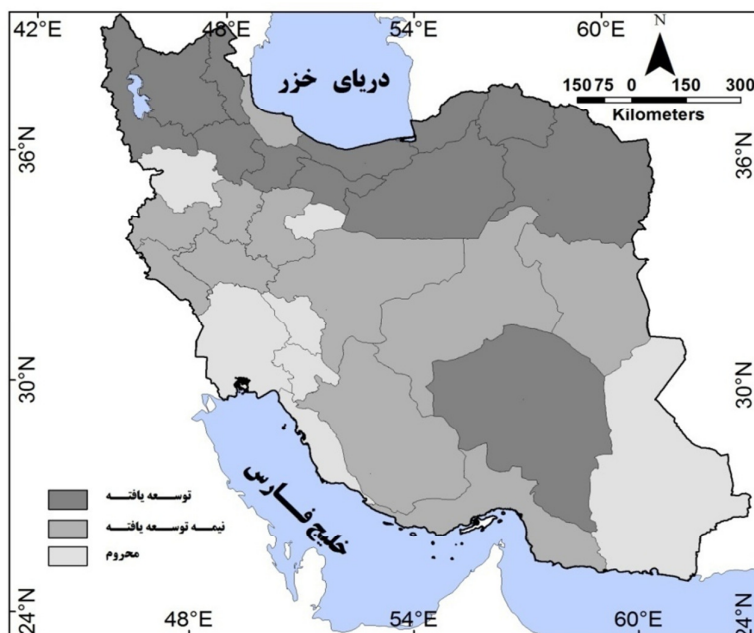
را در بر دارد و ۲۴ درصد از جمعیت عشایری دوره ییلاقی را تشکیل داده است. بررسیهای درون گروهی بیانگر شکاف قابل ملاحظه‌ای از واگراییهای عمیق بین این استانها است فاصله نابرابری یا واگرایی در پی این استانها حدود ۴۰۴ برابر می‌باشد. دو استان اول از نظر منابع طبیعی جزء استانهای واقع در منطقه مرتعی درجه یک است ولی مدیریت و توزیع خدمات گوناگون در این استانها باعث شده است که این استانها از نظر توسعه در جایگاه مطلوبی را نسبت به منابع خود کسب نکنند البته این استانها جزء استانهای محروم کشور می‌باشند و جامعه عشایری نیز مستثنی از این قاعده نیست. استان خوزستان نیز به جهت واقع شدن در مناطق پست و عدم وجود پتانسیلهای طبیعی در دوره ییلاقی-که عمدتاً در منطقه کوهستانی قرار دارد-باعث کاهش رتبه این استان در توسعه شده است و سیستان و بلوچستان نیز به جهت محرومیت نسبی این استان در سطح کشور در این جایگاه قرار گرفته است. ضریب نابرابری در بین تمام استانها ۰.۵۶۷ است که نشان دهنده شکاف عمیق و واگرایی سطح توسعه یافتگی بین نقاط مختلف کشور می‌باشد.

دارد و استان گیلان در رتبه آخر جای گرفته است. شکاف توسعه بیانگر نابرابری و واگرایی نسبی بین استانهای نیمه توسعه یافته است. این شکاف بین استان اصفهان و گیلان کاملاً بارز است بطوریکه فاصله این واگرایی در بین این گروه از استانها تقریباً ۱۸۳ برابر است. این استانها با وجود اینکه از نظر تعداد نسبت به استانهای توسعه یافته کمتر است ولی جمعیت بیشتری را در بر دارد که از نظر برنامه ریزی توجه وافر را می‌طلبد زیرا جمعیت کثیری از جامعه عشایری کشور را شامل می‌شود. استانهای واقع در این گروه را می‌توان به دو منطقه شرقی و غربی تقسیم نمود که در منطقه غرب وجود رشته کوههای زاگرس جزء منطقه اقلیمی کوهستانی است که از نظر رطوبت و بارندگی پس از منطقه خزری کشور در جایگاه دوم اقلیمی قرار گرفته، پتانسیل بالایی را از نظر مرتعی دارد و می‌تواند در توسعه عشایری نقش بسزایی را بازی کند. استانهای محروم جزء استانهایی هستند که در جنوب و جنوب غرب کشور قرار دارند و شامل چهار استان کهگیلویه و بویر احمد، چهار محال بختیاری، خوزستان و سیستان و بلوچستان است که ۲۹۴۶۶۰ نفر از جمعیت عشایری دوره ییلاقی کشور

جدول (۲) : سطح بندی توسعه جامعه عشایری ییلاقی ایران به تفکیک استان سال ۱۳۸۷

نام استان	ابعاد اجتماعی-اقتصادی													
	ابعاد زیر بنایی				ابعاد تکنولوژیکی				جمعیت					
	حمل و نقل		انرژی		ارتباطات و تسهیلات رفاهی		اطلاعات		مسکن		صنایع دستی			
رتبه	تاپسیس	رتبه	تاپسیس	رتبه	تاپسیس	رتبه	تاپسیس	رتبه	تاپسیس	رتبه	تاپسیس	رتبه	تاپسیس	
آذربایجان شرقی	۲۵	۰.۲۴۸	۴	۰.۳۰۲	۲	۰.۴۶۲	۳	۰.۷۷۹	۳	۰.۳۰۹	۲	۰.۲۰۴	۱۴	۰.۵۶۲
آذربایجان غربی	۲۴	۰.۱۴۶	۶	۰.۲۰۵	۷	۰.۱۷۱	۱۴	۰.۶۳۵	۶	۰.۲۱۷	۷	۰.۱۹	۱۷	۰.۴۴۹
اردبیل	۲۷	۰.۱۶۱	۵	۰.۲۳۷	۴	۰.۷۵۴	۱	۰.۸۳۴	۱	۰.۲۴۸	۴	۰.۱۸۵	۲۰	۰.۵۷۹
اصفهان	۲۰	۰.۰۶۳	۲۴	۰.۰۷	۱۹	۰.۶۹۵	۲	۰.۲۳۶	۱۷	۰.۰۹۳	۱۸	۰.۲۱	۱۲	۰.۳۳۲
ایلام	۱۳	۰.۰۷۸	۱۵	۰.۰۵۳	۲۶	۰.۰۹۸	۲۳	۰.۱۷	۲۰	۰.۰۸۱	۲۴	۰.۴۴۶	۴	۰.۲۲
تهران	۱۰	۰.۰۵۷	۲۷	۰.۰۴۸	۲۸	۰.۳	۷	۰.۴۷۶	۱۰	۰.۰۹۸	۱۷	۰.۴۹۶	۳	۰.۴۰۲
چهارمحال و بختیاری	۲۲	۰.۰۶۹	۲۲	۰.۰۹۲	۱۴	۰.۱۱۵	۲۲	۰.۰۴	۲۵	۰.۱۱	۱۵	۰.۱۲۱	۲۴	۰.۱۰۲
خراسان جنوبی	۱۱	۰.۰۵۷	۲۶	۰.۰۶۸	۲۰	۰.۱۴۸	۱۸	۰.۲۸۸	۱۴	۰.۰۷۸	۲۶	۰.۱۹۷	۱۶	۰.۲۴۷
خراسان رضوی	۷	۰.۱۰۴	۸	۰.۱۳۳	۱۰	۰.۱۴۱	۱۹	۰.۵۸۸	۷	۰.۱۴۲	۱۰	۰.۲۷۹	۸	۰.۴۳۲
خراسان شمالی	۱۵	۰.۲۴۴	۲	۰.۸۷۹	۱	۰.۱۴۹	۱۷	۰.۶۹۱	۴	۰.۸۷۶	۱	۰.۲۴۴	۹	۰.۶۰۳
خوزستان	۲۶	۰.۰۷۸	۱۶	۰.۰۵۴	۲۵	۰.۰۳۳	۲۷	۰.۰۰۹	۲۷	۰.۰۸۲	۲۳	۰.۱۲۹	۲۳	۰.۰۷۴
زنجان	۲۳	۰.۱۰۵	۱۱	۰.۱۳۴	۹	۰.۱۷۵	۱۳	۰.۸۳۲	۲	۰.۱۴۴	۹	۰.۲۳۷	۱۰	۰.۵۰۷

۱۱	۰.۳۷۶	۵	۰.۴۳۸	۱۱	۰.۱۳۲	۱۳	۰.۳۶۹	۱۱	۰.۲۳۴	۱۲	۰.۱۰۶	۱۸	۰.۰۷۳	۲	۰.۵۱	سمنان
۲۴	۰.۱۵۲	۲۵	۰.۱۱۹	۲۹	۰.۰۶۴	۲۴	۰.۰۸۸	۲۵	۰.۰۹۱	۲۳	۰.۰۵۷	۳	۰.۳۰۶	۱۷	۰.۱۰۴	سیستان و بلوچستان
۱۶	۰.۲۸۳	۶	۰.۳۰۵	۱۶	۰.۱	۱۶	۰.۲۵۶	۵	۰.۳۸۱	۱۵	۰.۰۸۴	۱۰	۰.۱۰۶	۱۹	۰.۰۹۳	فارس
۹	۰.۴۰۵	۲۱	۰.۱۷۲	۲۲	۰.۰۸۳	۹	۰.۴۹۶	۲۰	۰.۱۳۴	۲۹	۰.۰۲۲	۷	۰.۱۵۸	۱	۰.۶۴۱	قزوین
۱۲	۰.۳۷	۲۲	۰.۱۶۴	۳	۰.۲۷۷	۱۹	۰.۲۰۷	۱۵	۰.۱۶۳	۳	۰.۲۷۴	۱	۰.۸۳۷	۸	۰.۲۶۶	کرمان
۱۵	۰.۲۹۳	۱۱	۰.۲۳۳	۲۵	۰.۰۷۹	۱۲	۰.۳۷	۱۶	۰.۱۵۴	۲۴	۰.۰۵۵	۲۵	۰.۰۶۸	۱۴	۰.۱۲۳	کرمانشاه
۲۵	۰.۱۳۲	۱۳	۰.۲۰۹	۸	۰.۱۴۹	۲۶	۰.۰۳۹	۲۶	۰.۰۸۴	۸	۰.۱۳۷	۱۹	۰.۰۶۴	۱۲	۰.۱۳۶	کهگیلویه و بویراحمد
۴	۰.۵۲۳	۱	۰.۷۹۸	۵	۰.۲۴۴	۸	۰.۵۵۵	۶	۰.۳۱۲	۶	۰.۲۳	۹	۰.۰۷۳	۳	۰.۴۹۲	گلستان
۲۳	۰.۱۸۱	۲۶	۰.۱۱۴	۱۹	۰.۰۹۲	۲۳	۰.۱۳۱	۲۴	۰.۰۹۸	۲۷	۰.۰۵	۲۱	۰.۰۷۱	۴	۰.۳۵۹	گیلان
۲۲	۰.۱۹۹	۱۵	۰.۲۰۱	۲۱	۰.۰۸۹	۲۱	۰.۱۶	۸	۰.۲۹	۲۲	۰.۰۶۳	۲۳	۰.۰۶۸	۱۸	۰.۰۹۵	لرستان
۶	۰.۴۷۷	۲	۰.۵۸۵	۱۴	۰.۱۱۲	۵	۰.۶۴۸	۹	۰.۲۸۸	۱۸	۰.۰۷۱	۲۰	۰.۰۶۹	۲۱	۰.۰۸۸	مازندران
۱۷	۰.۲۷۴	۷	۰.۲۷۹	۱۲	۰.۱۲	۱۵	۰.۲۵۶	۱۰	۰.۲۸۱	۱۳	۰.۱۰۵	۱۷	۰.۰۷۶	۹	۰.۲۴	مرکزی
۲۱	۰.۲۱۳	۲۷	۰.۰۹۸	۶	۰.۲۳۵	۲۲	۰.۱۳۳	۲۱	۰.۱۲	۵	۰.۲۳۵	۱۲	۰.۰۵۶	۶	۰.۳۴۲	هرمزگان
۱۸	۰.۲۵۸	۱۸	۰.۱۹	۲۰	۰.۰۹۱	۱۸	۰.۲۲۳	۴	۰.۴۰۷	۱۶	۰.۰۸	۱۳	۰.۰۸	۱۶	۰.۱۰۵	همدان
۱۴	۰.۳۲۳	۱۹	۰.۱۸۷	۱۳	۰.۱۲	۱۱	۰.۳۷۱	۱۲	۰.۲۰۳	۱۱	۰.۱۱۵	۱۴	۰.۰۷۱	۵	۰.۳۴۲	یزد
	۰.۵۶۷		۰.۷۳۹		۱.۰۰۰		۰.۸۱۸		۰.۸۱۸		۱.۱۴۳		۱.۲۵۰		۰.۸۸۹	ضریب نابرابری



شکل (۲): توزیع فضایی سطح توسعه یافتگی جامعه عشایری بیلاقی کشور

استانهای تهران، سمنان، زنجان، کرمان و قزوین نسبت به منابع طبیعی کمی تامل بر انگیز است و می توان گفت که سطح توسعه این استانها بیشتر از مدیریت مناسب جامعه عشایری تاثیر پذیرفته است.

نقشه ۲ نحوه توزیع و پراکنش فضایی سطح توسعه جوامع عشایری کشور را نشان می دهد. بر اساس نتایج بدست آمده جامعه توسعه یافته بیشتر در نیمه شمالی کشور در عرصه هایی که منابع طبیعی از قبیل آب و مرتع از وضعیت نسبتاً مناسبتری برخوردارند، استقرار دارند. در بین این استانها سطح توسعه

جدول (۳): طبقه‌بندی سطوح توسعه استانها در دوره بیلابقی

استان	تاپسیس	توسعه یافته	استان	تاپسیس	استانهای توسعه یافته
اصفهان	۰.۳۳۲		خراسان شمالی	۰.۶۰۳	
یزد	۰.۳۲۳		اردبیل	۰.۵۷۹	
کرمانشاه	۰.۲۹۳		آذربایجان شرقی	۰.۵۶۲	
فارس	۰.۲۸۳		گلستان	۰.۵۲۳	
مرکزی	۰.۲۷۴		زنجان	۰.۵۰۷	
همدان	۰.۲۵۸		مازندران	۰.۴۷۷	
خراسان جنوبی	۰.۲۴۷		آذربایجان غربی	۰.۴۴۹	
ایلام	۰.۲۲		خراسان رضوی	۰.۴۳۲	
هرمزگان	۰.۲۱۳		قزوین	۰.۴۰۵	
لرستان	۰.۱۹۹		تهران	۰.۴۰۲	
گیلان	۰.۱۸۱		سمنان	۰.۳۷۶	
سیستان و بلوچستان	۰.۱۵۲		کرمان	۰.۳۷	
کهگیلویه و بویراحمد	۰.۱۳۲				
چهارمحال و بختیاری	۰.۱۰۲				
خوزستان	۰.۰۷۴				

(۰.۸۲۷) و اردبیل (۰.۸۳۴) بعنوان توسعه یافته‌ترین و استان چهار محال بختیاری با مقدار (۰.۰۷۶)، بوشهر و قم تقریباً با مقدار برخوردار (۰.۰۰۰) محرومترین استان ارزیابی گردیده‌اند. اما در ابعاد تکنولوژیکی توسعه استانهای خراسان شمالی (۰.۸۷۸) در بخش ارتباطات و اطلاعات و استان گلستان (۰.۷۹۸) در بخش تسهیلات رفاهی به عنوان توسعه یافته‌ترین و استانهای بوشهر و قم به عنوان محرومترین استان شناخته شدند. بررسی میزان نابرابری نشان می‌دهد در شاخص صنایع دستی با ضریب نابرابری ۱.۲۷ بیشترین میزان نابرابری و شاخص مسکن با ضریب نابرابری ۰.۶۳۰ کمترین میزان نابرابری را داشته‌اند.

از مدل تحلیل خوشه‌ای سلسله مراتبی برای تقسیم‌بندی سطح توسعه دوره قشلاقی استانها استفاده گردید. نتایج مدل تحلیل خوشه‌ای نشان می‌دهد که اکثر استانهای توسعه یافته عشایری دوره قشلاقی همانند دوره بیلابقی در قسمت شمال شرق، شمال غرب و شمال کشور قرار دارند که شامل ۸ استان کشور

سطح‌بندی سطوح توسعه جامعه عشایری دوره قشلاق

مدل تصمیم‌گیری چندمعیاره تاپسیس جهت بررسی سطح توسعه یافتگی جامعه عشایری منطقه قشلاق با استفاده از شاخصهای مختلف اجتماعی-اقتصادی، اطلاعاتی-ارتباطاتی، تسهیلات رفاهی و غیره استفاده شد. برابر بررسیهای انجام یافته استان کردستان فاقد جامعه عشایری قشلاقی می‌باشند. جدول (۴) نشان می‌دهد در شاخصهای بخش مسکن استان یزد (۰.۷۱۸) به عنوان برخوردارترین استان و آذربایجان غربی به عنوان محرومترین استان با میزان (۰.۰۸۸) شناخته شده‌اند؛ در بخش صنایع دستی و جمعیت به ترتیب استانهای کرمان (۰.۶۸۵) و خراسان شمالی (۰.۸۷۹) بعنوان برخوردارترین و استانهای مازندران (۰.۰۳۲) و قزوین (۰.۰۲۲) به عنوان محرومترین استان شناخته شده‌اند. مهمترین بعد سطوح توسعه یافتگی بعد زیربنایی است که در جامعه عشایری قشلاقی کشور نیز مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد که در شاخصهای بخش حمل نقل و انرژی به ترتیب استانهای بوشهر

عشایری کشور را شامل می‌شود و توجه به سطح توسعه آنها در فرایند توسعه سرزمین و برقراری عدالت اجتماعی و کاهش نرخ فقر در جامعه از اهمیت زیادی برخوردار است. استانهای محروم تقریباً همان استانهایی هستند که سطح توسعه عشایری دوره قشلاقی نیز از سطح توسعه یافتگی کمتری برخوردار است و شامل چهار استان کهگیلویه و بویر احمد، چهارمحال بختیاری، قم، لرستان و سیستان و بلوچستان است که ۲۶۵۸۳۹ نفر از جمعیت عشایری دوره قشلاقی کشور را در بر دارد و ۲۲.۴ درصد از جمعیت عشایری دوره قشلاقی را تشکیل داده است. در بین این این گروه توسعه، استان لرستان با میزان (۱۹۲) در جایگاه اول و استان چهارمحال بختیاری با میزان (۰.۰۹۳) در رتبه آخر قرار دارد. بررسیهای درون گروهی نشان می‌دهد که شکاف قابل ملاحظه‌ای از واگراییهای در بین این استانها وجود و فاصله نابرابری یا واگرایی در بین این استانها حدود ۲ برابر می‌باشد. ضریب نابرابری سطح توسعه یافتگی بین استانهای کشور ۰.۴۶۹ است که نشان می‌دهد نسبت به ضریب نابرابری دوره ییلاقی از درجه همگنی بالایی برخوردار است.

است. از بین استانهای توسعه یافته استانهای خراسان شمالی با میزان (۰.۶۰۴) و خراسان رضوی با میزان (۰.۴۳) در رتبه اول و هشتم قرار دارند. شکاف توسعه درون گروهی این استانها ۰.۱۷ برابر است. نابرابری سطح توسعه این استانها نشان می‌دهد که همگرایی تقریباً نسبی بین استانهای توسعه یافته وجود دارد. در این استانها جمعیت دوره قشلاقی کشور در استانهای توسعه یافته ۲۶۸۴۲۹ نفر است که ۲۲.۶۱ درصد جمعیت قشلاقی را شامل می‌شود. استانهای نیمه توسعه یافته، ۱۶ استان کشور را شامل می‌شود. این استانها ۶۵۲۵۶۲ نفر جمعیت دارند که ۵۴.۹۸ درصد از جمعیت عشایری دوره قشلاقی کل کشور را شامل می‌شود. استان تهران با میزان (۰.۳۸۳) در بین استانهای نیمه توسعه یافته در جایگاه اول قرار دارد و استان گیلان در رتبه آخر جای گرفته است. شکاف توسعه در این استانها ۱.۶ برابر است. این شکاف بین استان اصفهان و گیلان کاملاً بارز است بطوریکه فاصله این واگرایی در بین این گروه از استانها تقریباً ۱.۸۳ برابر است. جمعیت این استانها تقریباً ۲.۵ برابر استانهای توسعه یافته است و نشان می‌دهد که جمعیت کثیری از جامعه

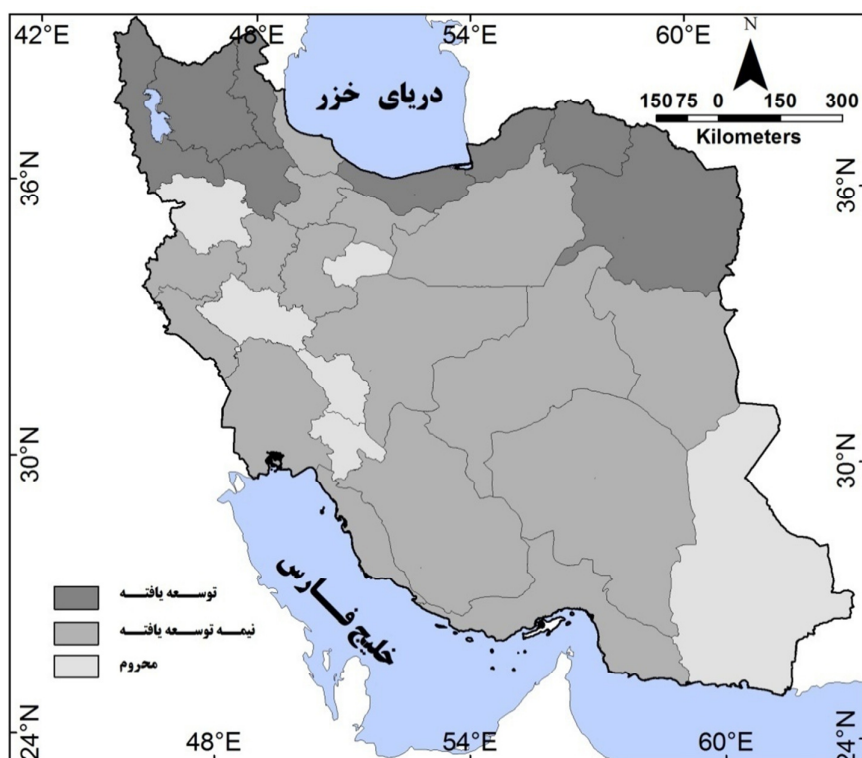
جدول (۴): سطح بندی توسعه جامعه عشایری قشلاقی ایران به تفکیک استان ۱۳۸۷

نام استان	ابعاد اجتماعی - اقتصادی						ابعاد زیر بنایی				ابعاد تکنولوژیکی				تلفیقی	
	مسکن		صنایع دستی		جمعیتی		حمل و نقل		انرژی		ارتباطات و اطلاعات		تسهیلات رفاهی		رتبه	تأسیس
	رتبه	تأسیس	رتبه	تأسیس	رتبه	تأسیس	رتبه	تأسیس	رتبه	تأسیس	رتبه	تأسیس	رتبه	تأسیس		
آذربایجان شرقی	۲۵	۰.۰۹۳	۵	۰.۲	۲	۰.۳۰۲	۱۲	۰.۲۲۲	۳	۰.۷۷۹	۲	۰.۳۰۳	۱۴	۰.۲۰۴	۳	۰.۵۲
آذربایجان غربی	۲۹	۰.۰۸۸	۸	۰.۱۰۸	۷	۰.۲۰۵	۲۰	۰.۱۶	۶	۰.۶۳۵	۷	۰.۲۰۷	۱۷	۰.۱۹	۷	۰.۴۳۶
اردبیل	۲۳	۰.۰۹۶	۶	۰.۱۶۴	۴	۰.۲۳۷	۲	۰.۸	۱	۰.۸۳۴	۴	۰.۲۳۸	۲۰	۰.۱۸۵	۲	۰.۵۹۹
اصفهان	۹	۰.۳۷۷	۲۴	۰.۰۴	۱۹	۰.۰۷	۳	۰.۶۸۲	۱۷	۰.۲۳۶	۱۹	۰.۰۷۵	۱۲	۰.۲۱	۱۰	۰.۳۷۶
ایلام	۱۱	۰.۳۵۲	۱۵	۰.۰۵۵	۲۶	۰.۰۵۳	۱۱	۰.۲۲۷	۲۰	۰.۱۷	۲۷	۰.۰۵۸	۴	۰.۴۴۶	۲۰	۰.۲۶۲
بوشهر	۸	۰.۳۸۱	۲۳	۰.۰۴	۲۱	۰.۰۶۵	۱	۰.۸۲۷	۲۸	۰	۲۱	۰.۰۶۹	۲۸	۰	۱۳	۰.۳۴۶
تهران	۲۴	۰.۰۹۴	۲۶	۰.۰۳۸	۲۸	۰.۰۴۸	۸	۰.۲۵۶	۱۰	۰.۴۷۶	۲۶	۰.۰۵۹	۳	۰.۴۹۶	۹	۰.۳۸۳
چهارمحال و بختیاری	۲۱	۰.۱۰۲	۱۷	۰.۰۵۳	۱۴	۰.۰۹۲	۲۹	۰.۰۷۶	۲۵	۰.۰۴	۱۴	۰.۰۹۵	۲۴	۰.۱۲۱	۲۹	۰.۰۹۳
خراسان جنوبی	۱۷	۰.۲۵	۲۸	۰.۰۳۶	۲۰	۰.۰۶۸	۲۳	۰.۱۳۹	۱۴	۰.۲۸۸	۲۰	۰.۰۶۹	۱۶	۰.۱۹۷	۲۲	۰.۲۴۹
خراسان رضوی	۴	۰.۴۱۹	۱۱	۰.۰۷۳	۱۰	۰.۱۳۳	۲۶	۰.۱۳۱	۷	۰.۵۸۸	۱۰	۰.۱۳۵	۸	۰.۲۷۹	۸	۰.۴۳
خراسان شمالی	۱۳	۰.۳۱	۳	۰.۲۶۱	۱	۰.۸۷۹	۲۵	۰.۱۳۴	۴	۰.۶۹۱	۱	۰.۸۷۸	۹	۰.۲۴۴	۱	۰.۶۰۴
خوزستان	۱۰	۰.۳۵۹	۱۹	۰.۰۵۲	۲۵	۰.۰۵۴	۶	۰.۴۴۱	۲۷	۰.۰۰۹	۲۴	۰.۰۵۹	۲۳	۰.۱۲۹	۲۳	۰.۲۴
زنجان	۲۸	۰.۰۹۲	۱۳	۰.۰۵۹	۹	۰.۱۳۴	۲۱	۰.۱۴۷	۲	۰.۸۳۲	۹	۰.۱۳۵	۱۰	۰.۲۳۷	۵	۰.۴۹۲

۱۶	۰.۳۳۱	۵	۰.۴۳۸	۱۲	۰.۱۱۱	۱۳	۰.۳۶۹	۱۰	۰.۲۳۴	۱۲	۰.۱۰۶	۲۲	۰.۰۴۳	۲۰	۰.۱۰۵	سمنان
۲۷	۰.۱۴۵	۲۵	۰.۱۱۹	۲۸	۰.۰۵۸	۲۴	۰.۰۸۸	۲۸	۰.۰۹۵	۲۳	۰.۰۵۷	۴	۰.۲۵۲	۱۸	۰.۲۰۹	سیستان و بلوچستان
۱۲	۰.۳۵۳	۶	۰.۳۰۵	۱۵	۰.۰۸۷	۱۶	۰.۲۵۶	۵	۰.۵۱۲	۱۵	۰.۰۸۴	۱۰	۰.۰۸	۷	۰.۳۸۸	فارس
۱۴	۰.۳۴۲	۲۱	۰.۱۷۲	۲۹	۰.۰۳۹	۹	۰.۴۹۶	۲۴	۰.۱۳۴	۲۹	۰.۰۲۲	۷	۰.۱۳۶	۲۷	۰.۰۹۲	قزوین
۲۸	۰.۱۱۶	۲۸	۰	۱۷	۰.۰۷۹	۲۸	۰	۱۳	۰.۲۱	۱۷	۰.۰۷۴	۲۵	۰.۰۳۹	۲۶	۰.۰۹۳	قم
۱۵	۰.۳۳۴	۲۲	۰.۱۶۴	۳	۰.۲۷۵	۱۹	۰.۲۰۷	۱۵	۰.۱۷۸	۳	۰.۲۷۴	۱	۰.۶۸۵	۶	۰.۴۰۲	کرمان
۱۸	۰.۳۰۸	۱۱	۰.۲۳۳	۲۳	۰.۰۶	۱۲	۰.۳۷	۱۷	۰.۱۷۳	۲۴	۰.۰۵۵	۲۱	۰.۰۴۹	۱۲	۰.۳۲۲	کرمانشاه
۲۶	۰.۱۶۱	۱۳	۰.۲۰۹	۸	۰.۱۳۹	۲۶	۰.۰۳۹	۲۲	۰.۱۴	۸	۰.۱۳۷	۱۴	۰.۰۵۵	۱۵	۰.۲۵۹	کهگیلویه و بویراحمد
۴	۰.۵۰۵	۱	۰.۷۹۸	۶	۰.۲۳۲	۸	۰.۵۵۵	۱۴	۰.۲۰۲	۶	۰.۲۳	۹	۰.۱۰۱	۳	۰.۴۹۹	گلستان
۲۴	۰.۲۳۹	۲۶	۰.۱۱۴	۲۵	۰.۰۵۹	۲۳	۰.۱۳۱	۲۷	۰.۰۹۵	۲۷	۰.۰۵	۲۷	۰.۰۳۷	۲	۰.۶۳۵	گیلان
۲۵	۰.۱۹۲	۱۵	۰.۲۰۱	۲۲	۰.۰۶۸	۲۱	۰.۱۶	۱۸	۰.۱۶۹	۲۲	۰.۰۶۳	۲۰	۰.۰۴۹	۱۶	۰.۲۵۷	لرستان
۶	۰.۴۶۴	۲	۰.۵۸۵	۱۸	۰.۰۷۷	۵	۰.۶۴۸	۱۶	۰.۱۷۸	۱۸	۰.۰۷۱	۲۹	۰.۰۳۲	۱۴	۰.۲۶۴	مازندران
۲۱	۰.۲۵۷	۷	۰.۲۷۹	۱۳	۰.۱۰۸	۱۵	۰.۲۵۶	۹	۰.۲۵۱	۱۳	۰.۱۰۵	۱۶	۰.۰۵۵	۲۲	۰.۰۹۹	مرکزی
۱۹	۰.۲۸۲	۲۷	۰.۰۹۸	۵	۰.۲۳۶	۲۲	۰.۱۳۳	۷	۰.۲۹	۵	۰.۲۳۵	۲	۰.۳۶۹	۵	۰.۴۰۷	هرمزگان
۱۷	۰.۳۱۶	۱۸	۰.۱۹	۱۶	۰.۰۸۲	۱۸	۰.۲۲۳	۴	۰.۵۳۴	۱۶	۰.۰۸	۱۸	۰.۰۵۲	۱۹	۰.۲۰۶	همدان
۱۱	۰.۳۶۵	۱۹	۰.۱۸۷	۱۱	۰.۱۱۶	۱۱	۰.۳۷۱	۱۹	۰.۱۶۶	۱۱	۰.۱۱۵	۱۲	۰.۰۶۲	۱	۰.۷۱۸	یزد
	۰.۴۶۹		۰.۷۳۹		۱.۱۴۳		۰.۸۱۸		۰.۸۰۸		۱.۱۴۳		۱.۲۷۳		۰.۶۳۰	ضریب نابرابری

جدول (۵): طبقه‌بندی سطوح توسعه استانها در دوره قشلاقی

استان	تاپسیس	استان	تاپسیس
خراسان شمالی	۰.۶۰۴	سمنان	۰.۳۳۱
اردبیل	۰.۵۹۹	همدان	۰.۳۱۶
آذربایجان شرقی	۰.۵۲	کرمانشاه	۰.۳۰۸
گلستان	۰.۵۰۵	هرمزگان	۰.۲۸۲
زنجان	۰.۴۹۲	ایلام	۰.۲۶۲
مازندران	۰.۴۶۴	مرکزی	۰.۲۵۷
آذربایجان غربی	۰.۴۳۶	خراسان جنوبی	۰.۲۴۹
خراسان رضوی	۰.۴۳	خوزستان	۰.۲۴
تهران	۰.۳۸۳	گیلان	۰.۲۳۹
اصفهان	۰.۳۷۶	لرستان	۰.۱۹۲
یزد	۰.۳۶۵	کهگیلویه و بویراحمد	۰.۱۶۱
فارس	۰.۳۵۳	سیستان و بلوچستان	۰.۱۴۵
بوشهر	۰.۳۴۶	قم	۰.۱۱۶
قزوین	۰.۳۴۲	چهارمحال و بختیاری	۰.۰۹۳
کرمان	۰.۳۳۴		



شکل (۳): توزیع فضایی سطح توسعه یافتگی جامعه عشایری قشلاقی کشور

نگرفته است و عمدتاً سطح جامعه عشایری شدیداً از پتانسیلهای طبیعی قشلاق صورت گرفته است.

مدل برازش رگرسیونی شاخصهای توسعه یافتگی جامعه عشایری بیلاقی وقشلاقی ایران

جهت سنجش میزان تأثیر معیارهای مختلف توسعه در میزان توسعه یافتگی از مدل برازش رگرسیون استفاده شده است. نتایج حاصل از مدل نشان می‌دهد R^2 تعدیل یافته در این مدل برابر با ۰.۹۹۳ است و بیانگر آن است که شاخصهای بکار رفته در سنجش درجه توسعه یافتگی حدود ۹۹.۳ درصد سطح توسعه مناطق عشایری دوره بیلاقی را تبیین می‌کند.

نقشه ۳ نشان می‌دهد که جامعه عشایری توسعه یافته عمدتاً در استانهای شمال غرب و شمال و شمال شرق پراکنده شده‌اند که نشان دهنده وابستگی شدید این جامعه به منابع طبیعی آب است. این استانها عمدتاً از نظر شرایط طبیعی جزء استانها مناسب و نسبتاً مناسب می‌باشند. با توجه به شاخصهای تحقیق که عمدتاً براساس خدمات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، نتایج گویای این است که توسعه خدمات اجتماعی و زیر بنایی بر اساس اصول عدالت اجتماعی و فضایی صورت

جدول (۶): ضریب تبیین میزان توسعه یافتگی جامعه عشایری دوره بیلاقی شاخصهای بکار رفته

Model Summary				
Model	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate
1	.997	.995	.993	.01395

جدول زیر اهمیت نسبی ابعاد تاثیر گذار بر میزان توسعه یافتگی نشان می دهد. مقدار بتای بدست آمده برای شاخص مصرف و دسترسی به انرژی نشان می دهد که تغییر یک واحد این معیار به اندازه ۰.۶۹۳ برابر بر انحراف معیار میزان توسعه یافتگی تأثیر می گذارد و از این حیث نسبت به سایر شاخصها، تاثیر بیشتری بر سطح توسعه داشته است و مقدار t آن بیانگر آن است که اهمیت زیادی در سطح توسعه یافتگی

استانها دارد و همچنین سطح معنی داری آن (۰.۰۰۰) نشان دهنده رابطه مستقیم با میزان توسعه یافتگی است. ویژگیهای جمعیتی نظیر سطح سواد و در گروههای مختلف جنسی و سطح اشتغال (۰.۱۰۵-) با کمترین تاثیر در میان شاخصهای مورد استفاده در رتبه آخر از نظر تاثیر گذاری است و سطح معنی داری آن نشان می دهد که ارتباط مستقیمی با میزان توسعه یافتگی استانها ندارد.

جدول (۷): ضرایب رگرسیون برای بررسی تاثیر معیارها بر سطح توسعه و تعیین اهمیت نسبی ابعاد سازنده آنها

Coefficients						
Model		Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig.
		B	Std. Error	Beta		
1	(Constant)	.021	.006		3.443	.002
	مسکن	.120	.019	.113	6.257	.000
	صنایع دستی	.145	.019	.129	7.736	.000
	جمعیت	-.112	.211	-.105	-.533	.599
	حمل و نقل	.152	.017	.161	8.933	.000
	انرژی	.447	.014	.693	32.132	.000
	اطلاعات و ارتباطات	.304	.220	.274	1.377	.182
	تسهیلات رفاهی	.129	.019	.130	6.765	.000

نتایج حاصل از مدل برازش رگرسیونی نشان می دهد R^2 تعدیل یافته در این مدل برابر با ۰.۹۸۲ است و بیانگر آن است که شاخصهای بکار رفته در سنجش درجه توسعه یافتگی حدود ۹۸.۲ درصد سطح توسعه مناطق عشایری دوره قشلاقی را تبیین می کند.

جدول (۸): ضریب تبیین میزان توسعه یافتگی جامعه عشایری دوره ییلاق با شاخصهای بکار رفته

Model Summary				
Model	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate
1	.993	.987	.982	.019324

جدول زیر اهمیت نسبی ابعاد تاثیر گذار بر میزان توسعه یافتگی نشان می دهد. مقدار بتای بدست آمده برای شاخصهای اطلاعات و ارتباطات بر خلاف دوره ییلاقی تاثیر بیشتری بر سطح توسعه داشته است ضریب تاثیر این شاخص برابر با ۳.۲۶ است و لی از نظر اهمیت شاخص انرژی با مقدار ۲۳.۰۱t در رتبه اول از اهمیت زیادی نسبت به سایر شاخصها است. همچنین سطح معنی داری تمام شاخصها کمتر از ۰.۱ است نشان دهنده رابطه مستقیم با میزان توسعه یافتگی است. میزان تاثیر گذاری و اهمیت هر یک از شاخصها در جدول زیر آمده است.

جدول (۹): ضرایب رگرسیون برای بررسی تاثیر معیارها بر سطح توسعه و تعیین اهمیت نسبی ابعاد سازنده آنها

Coefficients						
Model		Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig.
		B	Std. Error	Beta		
1	(Constant)	.016	.011		1.422	.169
	مسکن	.162	.022	.195	7.304	.000
	صنایع دستی	.058	.031	.054	1.873	.074
	جمعیت	-2.788	1.109	-3.066	-2.513	.020
	حمل و نقل	.236	.018	.339	13.487	.000
	انرژی	.420	.018	.765	23.010	.000
	اطلاعات و ارتباطات	2.999	1.121	3.266	2.675	.014
	تسهیلات رفاهی	.085	.025	.101	3.374	.003

منبع: یافته‌های تحقیق.

بحث و نتیجه گیری

توزیع امکانات توسعه در فضای جغرافیایی ایران در میان جوامع عشایری بصورت متعادل انجام نشده است و اکثر استانهای توسعه یافته در منطقه شمال، شمال غرب و شمال شرق قرار دارند. در بین استانهای توسعه یافته دوره ییلاقی استانهای خراسان شمالی با میزان (۰.۶۳۰) و استان اردبیل با سطح (۰.۵۷۹) در رتبه اول و دوم قرار دارند و استان کرمان در رتبه آخر قرار دارد و ضریب همگنی این گروه برابر با ۱.۶۳ است که فاصله اولین استان را با آخرین استان در این گروه را نشان می‌دهد.

در دوره قشلاقی نیز خراسان شمالی و خراسان رضوی اول و آخر گروه استانهای توسعه یافته می‌باشند. و درجه همگنی این استانها از استانهای توسعه یافته دوره ییلاقی بالاتر است. سطح توسعه یافتگی استانهای ضریب نابرابری توسعه در منطقه قشلاقی ۰.۴۶۷ و برای منطقه ییلاقی ۰.۵۶۷ است که نشان از عدم توسعه همگن فضایی در دوره ییلاقی عشایر است. این ناهمگنی در بین استانهای توسعه نیافته بسیار عمیقتر است بطوریکه ضریب همگنی در بین استانهای توسعه نیافته در دروه ییلاقی برابر با ۴.۴ و در دوره قشلاقی برابر با ۲ است. مضاف بر موارد فوق در جامعه عشایری دوره ییلاقی و

قشلاقی بعد توازن توسعه که به توزیع متوازن فراداده‌های یک سیستم با فرو داده‌های سیستم اشاره دارد، انجام نشده است. مثلا در بخش مسکن در دوره ییلاقی، استان قزوین (۰.۶۴۱) به عنوان توسعه یافته‌ترین استان و اردبیل به عنوان محروم‌ترین استان با میزان (۰.۰۶۹) شناخته شده‌اند. در بخش صنایع دستی و جمعیت به ترتیب استانهای کرمان (۰.۲۷۴) و خراسان شمالی (۰.۸۷۹) بعنوان برخوردارترین و استانهای تهران (۰.۰۵۷) و گلستان (۰.۰۵) به عنوان محروم‌ترین استان شناخته شده‌اند. در بخش حمل و نقل و انرژی استان اردبیل به عنوان توسعه یافته‌ترین و استان خوزستان با مقادیر (۰.۰۳۳) و (۰.۰۰۹) محروم‌ترین استان ارزیابی گردیده‌اند. در ابعاد تکنولوژیکی توسعه استانهای خراسان شمالی در بخش ارتباطات و اطلاعات و استان گلستان در بخش تسهیلات رفاهی به عنوان توسعه یافته‌ترین و استانهای قزوین و هرمزگان به عنوان محروم‌ترین استان شناخته شدند. در بخش صنایع دستی و جمعیت به ترتیب استانهای کرمان (۰.۶۸۵) و خراسان شمالی (۰.۸۷۹) بعنوان برخوردارترین و استانهای مازندران (۰.۰۳۲) و قزوین (۰.۰۲۲) به عنوان محروم‌ترین استان شناخته شده‌اند. در بخش حمل و نقل و انرژی به ترتیب استانهای بوشهر (۰.۸۲۷) و اردبیل (۰.۸۳۴) بعنوان توسعه یافته‌ترین و استان

- آموزش و ترویج اصول و قواعد ایجاد خدمات نوین مبتنی بر تمدن اطلاعاتی

منابع

۱. توکلی، جعفر و محمدحسن ضیاءتوان (۱۳۸۸) پیامدهای فضایی اسکان عشایر در استان چهارمحال و بختیاری، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۲، شماره ۱.
۲. حسن مقدس جعفری، محمد، امیرعلی درستی و الهام عباسی (۱۳۹۰)، اسکان عشایر، چالش‌ها و راهکارها، فصلنامه تخصصی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر، سال اول، شماره اول
۳. حسین زاده، علی حسین، نبی‌الله ایدر و مها ساکی (۱۳۹۰) توسعه پایدار عشایر، مطالعات ایلات و عشایر، سال اول، شماره اول.
۴. خاکی پور. لیلا و حسین بارانی، علی دریجانی و رضا کریمیان (۱۳۹۰)؛ بررسی سهم مرتع در درآمد دامداری خانوار عشایری مطالعه موردی: حوزه آبخیز همیان، مجله علمی پژوهشی مرتع، سال پنجم، شماره ۴.
۵. دربان استانه. علی رضا و علی بدری (۱۳۸۸)؛ سطح‌بندی و ارزیابی تخصیص بهینه تجهیزات عمرانی - خدماتی به دهیاری‌های کشور، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۲، شماره ۱.
۶. شفق، سیروس و قشلاقی رحیمی. حسین (۱۳۹۰) بررسی تاثیر نوسازی بر ساختار اجتماعی و اقتصادی ایل قشقایی
۷. شکور. علی و محمدرضا رضایی (۱۳۸۹)؛ بررسی و مقایسه الگوهای اقتصادی تولید در ایل قشقایی فیروزآباد و سنجش و گرایش آنان به تغییر شیوع معیشت، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی - سال دوم، شماره دوم.
۸. صیدایی. اسکندر (۱۳۸۷)؛ چشم‌انداز جامعه عشایری ایران در افق ۲۰ ساله آتی، نشریه علوم جغرافیایی، جلد ۹، شماره ۱۲.
۹. طالبی. مصطفی و هادی معاریان (۱۳۸۸)؛ مکان‌گزینی کانون‌های توسعه عشایری با رویکرد تجهیز و توسعه منابع GIS، مطالعه موردی: سامانه قشلاقی آب تلخ سرخس، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، جلد ۱۱، شماره ۱۴.
۱۰. علی پور. لیلا و عیسی حجت (۱۳۹۰)؛ بازار عشایری چند کارکردی؛ گامی در راستای پایداری زندگی عشایری کوچنده، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۴، شماره ۱.

چهار محال بختیاری با مقدار (۰.۰۷۶)، بوشهر و قم تقریباً با مقدار برخوردار (۰.۰۰۰) محرومترین استان ارزیابی گردیده‌اند. در ابعاد تکنولوژیکی توسعه استانهای خراسان شمالی (۰.۸۷۸) در بخش ارتباطات و اطلاعات و استان گلستان (۰.۷۹۸) در بخش تسهیلات رفاهی به عنوان توسعه یافته‌ترین و استانهای بوشهر و قم به عنوان محرومترین استان شناخته شدند. همچنین مدل برازش رگرسیونی نشان می‌دهد اهمیت و تاثیر شاخصهای توسعه بصورت متوازن نمی‌باشد که شاخصهای بکاررفته در دوره بیلابی ۹۹.۳ درصد و در منطقه قشلاقی ۹۸.۲ درصد سطح توسعه یافتگی جامعه عشایری را تبیین می‌کند. در بین شاخصهای توسعه یافته دسترسی به انرژی با ضریب ۰.۶۹۳ بیشترین تاثیر، در دوره قشلاقی دسترسی به امکانات ارتباطاتی و اطلاعاتی با ضریب تاثیر ۳.۲۶ بالاترین تاثیر را در سطح توسعه داشته‌اند.

راهبردهای پیشنهادی

- تهیه طرح آمایش سرزمین مناطق عشایری و تعیین مکانهای مناسب برای فعالیت‌های دامی، زراعی، باغی و تعیین مناطق دارای قابلیت کوچ‌نشینی و قابلیت اسکان.
- اجرای برنامه و طرحهای ویژه مناطق محروم بر اساس نوع محرومیت.
- آموزش و ترویج اصول و قوانین نوین تولیدات دامی، زراعی، صنعتی و خدماتی در کانونهای عشایری
- آموزش و ترویج اصول و قواعد دامپروری نوین و مرغداری و ایجاد امکانات لازم برای توسعه آن در بین ساکنان کانونهای عشایری.
- کمک و ارائه تسهیلات ویژه ایجاد مسکن و پناهگاه امن در مناطق بیلابی و قشلاقی .
- آموزش و ترویج اصول و قواعد کشاورزی نوین اعم از زراعت و باغداری و ایجاد امکانات لازم برای بسط آن
- آموزش و ترویج اصول و قواعد ایجاد صنایع تبدیل، تکمیلی و نگهداری محصولات.

Khams, Journal of the International Association of Tibetan Studies, ISSN 1550-6363.

17. Gruschke. Andreas (2011), Yushu Nomads on the Move: How can the use of pastoralist resources be sustainable? Publisher: dev.plateauperspectives.org,

<http://www.case.edu/affil/tibet/tibetanNomads/documents>.

18. Joseph L. Fox, Ciren Yangzong, Kelsang Dhondup, Tsechoe Dorji and Camille (2008), Biodiversity Conservation and Pastoralism on the Northwest Tibetan Plateau (Byang thang): Coexistence or Conflict?, Journal of the International Association of Tibetan Studies, ISSN 1550-6363.

19. Manderscheid. Angela, Arvo Naukarinen, Wu Ning² & Alfred Colpaert(2004), From subsistence to market economy: Responses of Tibetan pastoralists to new economic realities, R a n g i f e r , Special Issue No. 15.

Postiglione Gerard, Ben Jiao, and Li Xiaoliang (2012), Education Change and Development in Nomadic Communities of the Tibetan Autonomous Region (TAR), International Journal of Chinese Education 1,p 89-105

۱۱. فصلنامه تخصصی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر، سال اول، شماره اول.

۱۲. کرمی. آیت اله و عباس عبد شاهی (۱۳۹۰)؛ رتبه بندی توسعه بافتگی مناطق روستایی استان کهگیلویه و بویراحمد به روش فازی، تحقیقات اقتصاد کشاورزی، جلد ۳. شماره ۳.

۱۳. مفید شاطری و محمد حجی پور(۱۳۹۰) اثرات اقتصادی - اجتماعی طرح‌های اسکان بر جوامع عشایر(مطالعه موردی شهرک نازدشت سرپیشه در استان خراسان جنوبی)، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی - سال سوم، شماره دوم.

۱۴. واعظ. نفیسه (۱۳۸۸) نهادها و شیوه‌های خط مشی‌گذاری در دوره پهلوی اول، پژوهشهای تاریخی، شماره ۴، دانشگاه اصفهان.

15. Bauer. Kenneth and Geoff Childs (2008), Demographics, Development, and the Environment in Tibetan Areas, Journal of the International Association of Tibetan Studies, ISSN 1550-6363.

16. Gruschke. Andreas (2008), Nomads without Pastures? Globalization, Regionalization, and Livelihood Security - of Nomads and Former Nomads in Northern

